

حاج میرزا بابا طبیب شیرازی

محمد مظاہری

از مطالب حکمت و ریاضی با خبر و در معالجه بیماران نفسی مسیحایی داشت. در تشخیص و شناخت بیماریها پیروی از بقراط می‌کرد. ولی معالجات جدید طب فرنگی را که در ایام اقامت وی در تهران تازه شیوع پیدا کرده بود سخت انکار می‌کرد و استعمال طب جدید را در حفظ صحت و ازاله بیماریها به هیچ وجه اقدام نمی‌کرد. چنانچه رساله جوهریه اش که با دیگر کتابها او در نزد سایر اوراق موجود است، دال بر ثبات عقیده وی در تکذیب اطبای فرنگ است. (۱)

این طبیب ماهر در دولت قاجاریه با کمال احترام می‌زیست و تاریخ وفات و تولدش دقیقاً معلوم نیست. بعضی تاریخ وفات او را سال ۱۲۹۰ هجری ذکر کرده‌اند و گویند در اواخر عمر به قصد مجاورت عتبات عالیات به عراق مهاجرت کرد و هم در ان سرزمین (شهر کربلا) دار فانی را وداع کرد و بعضی از پایگاه‌های اینترنتی سال تولد وی را ۱۲۹۰ می‌دانند، که با توجه به اینکه وی رساله وباشه را در سال ۱۲۵۱ و رساله طاعونیه را در سال ۱۲۴۷ هجری نگاشته، به نظر می‌رسد سال ۱۲۹۰ نمی‌تواند سال تولد وی باشد. (۲)

تالیفات بسیاری دارد که تعداد آنها را بالغ بر پانزده نگاشته پندراند.

از تالیفات وی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تسهیل العلاج (در معالجات)، که این اثر به کمک و همت والای مرکز نشر و موسسه احیا طب طبیعی و به سفارش موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران سابق به شرح و نگارشی نو و روان در سال ۱۳۸۷ چاپ و در میان علاقه مندان به مشاهیر طب سنتی توزیع شده است.

طب سنتی ایران میراث گرانبهای دانشمندان بلند مرتبه کشورمان و رشد یافته در دامان حکمت و عرفان اسلامی است که دارای ابعاد معنوی، فرهنگی و علمی درخور توجه ای می‌باشد.

تولید شواهد علمی، راهکار اساسی احیا پایدار طب سنتی ایران و به کارگیری موثر ان در ارتقای سلامت جامعه و گنجاندن ان در نظام ملی سلامت است.

یکی از راهکارهای اساسی و ضروری بررسی و بهره مندی از دیدگاهها و تجارب صاحب‌نظران، سازمانها و موسسات در عرصه جهانی است و بستر ساز این مهم اشنایی با حکما، فرهیختگان و اطبای طب سنتی کشورمان می‌باشد. در این راستا آشنایی با کتابها و زندگینامه حکیمان قریب به عصر حاضر از ویژگی خاصی برخوردار است.

گذشته از حکمایی چون محمد مومن تنکابنی، سید محمد حسین عقیلی خراسانی شیرازی که همچون ستارگانی در تاریخ اخیر طب ایران می‌درخشند، زندگی محمد تقی طبیب شیرازی معروف به میرزا بابا نیز از ویژگی خاصی برخوردار است.

نام مشهور این حکیم و ریا ضیدان بزرگوار میرزا محمد تقی و مشهور به حاجی میرزا بابا و حاج آقا بابا است. از طبیبان بزرگ قرن سیزدهم هجری است. وی ملقب به ملک الاطباء است و سلطنت سه پادشاه قاجار یعنی فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار را درک کرده است و بهتر است گفت این سه پادشاه قاجار طبابت وی را درک کرده و از خدمات وی بهره مند بوده اند. (۱)

اصلیت این طبیب بصیر خردمند، شیرازیست ولی حسب چرخش روزگار در دارالخلافه تهران ساکن بوده است. وی طبیبی محقق و حکیمی متبع می‌باشد. از علوم اوائل بهره ور و

۴. رساله وبايه صغيره که خلاصه اى از رساله وبايه کييره اوست.
۵. رساله طاعونيه ،که در طاعون هزار و دويست و چهل هفت هجرى به زبان عربى نگاشته شده است .
۶. رساله جوهريه که در رد جوهريات فرنگي و عدم جواز استعمال آنها به عربى تاليف کرده است.
- همان گونه که ذکر شد ،ملکالاطباء با شناخت خوبى که از ميراث عظيم طب ايراني داشت ، همزمان با ورود طب فرنگي در برابر کسانى که بي چون و چرا به حذف طب ايراني و استقبال بي قيد و شرط از طب جديدغربي مى کوشيدند به روياوري علمي با اين حرکت پرداخت. او در اين تلاش علمي با تاليف رساله جوهريه عوارض جانبي تعدادي از داروهای جديد را مطرح و مورد انتقاد قرار داده است. (۳)
۷. رساله کافوريه
۸. رساله کوثریه به زبان عربى
۹. رساله در شرح لغز مشهور که شيخ اجل بهاءالدين عاملی به اسم قانون ساخته .ايin کتاب را حکيم به درخواست شاگردش نوشته است.
۱۰. رساله تعبيريه
۱۱. رساله سماويه که در تفسير بعضی آيات قرانی در علم نجوم و فلكيات است.
۱۲. مفرق الهيشه و الويا که در تفاوت علائم اسهال و وبا نگاشته شده است.
۱۳. مسكن الفواد،که به فارسي و در علاج طاعون نوشته شده است.
۱۴. البحريانيه يا رساله بحرانيه،که موضوعش بحران امراض است و شامل معارضات بين او و ميرزا محمد تنكابني ،طبیب حاضر در دربار فتحعليشاه قاجار است که به زبان عربى تاليف کرده، چنانچه در اول آن رساله مى نويسد: "ولما ناظرنى و باحشى المخدوم الاجل الميرزا احمد الطيب التنكابنى الذى كان مشهوراً فى علم الطب عند وقوفى فى دار الخلافه طهران فى شهر رمضان المبارك من شهر سنه ست و اربعين و ماتين بعد الالف من الهجره النبويه على هاجرها الاف التحيه بان اختيارك تجويز الحقنه المسهله فى يوم الرابع و السادس من الايام

چهار ويژگي مهم اين کتاب عبارتند از:

الف. اسلوبی بدیع در علم الامراض است و باقی نو و تخصصی در امراض امتلاییه دارد.

ب. امراض امتلاییه را نشات گرفته از امتلای معده می داند و در راستای المعده بیت کل دا و الحمیه راس کل دواء، خدمتی بزرگ به عالم حدیث می کند.

ج. داین گنجینه بر ناموس طب سنتی که همان "طبیب معین طبیعت" است، تاکید فراوان دارد.

د. در درمان ، ادویه اى ساده، سهل الوصول و بی ضرر را توصیه می کند.

به نظر می رسد نگارش تسهیل العلاج در پانزدهم محرم ۱۲۸۵ هجری قمری به پایان رسیده است. آنچه شایان توجه است ، ان است که به کوشش و ذوق و سلیقه موسسه ، این كتاب به نثری روان و تبییبی رسا فراهم گردیده به گونه ای که بتواند طبیب همراه بیماران و طب همراه طبیبان باشد. (۳)

ميرزا بابا اين رساله را با تاکید بر علاج امراض امتلاییه اين گونه اغاز می کند:

"بدان که جمیع امراض امتلاییه،-يعني امراضی که سبب عروض و حدوش، پری اجزاء بدن باشد- از شش چیز حاصل میشود:

چهار چیز اخلاق اربعه است-که خون و بلغم و سودا و صفرا باشد - پنج انها بخره و ریاحی است که از ان چهار، و یا از غير از ان چهار، حاصل شود در بدن و صعود یا نفوذ نماید در مجاری و یا محتجس شود در افضیه. و ششم از ان فضول و زیادتی است که ابتدا در افضیه و او عیه بدن از غذاها یا فضول غذاها و یا رطوبات زایده از انها و از مشروبات معتاده و غیر معتاده و میوه ها و سوء ترتیب در اكل و شرب انها، فوراً یا به تدریج، حاصل می شود و از اجتماع و تراکم و عفونتهای انها، دیدان یا حصات تولد می یابد و یا اوجاع باطنی یا اورام- باقسامها- یا انخلاعات و یا اجتماع میاه و رطوبات در او عیه و مواضع خالیه و غيرها حاصل می شود."

۲. رساله اى در موضوع حفظ الصحه

۳. رساله وبايه کييره که در سال هزار و دويست و پنجا ه و يك هجرى تاليف کرده است.

چو آید در طحال آن جزء دیگر

ضرورت باشدش با نفع مضمر

ضرورت غسل تن از فضل سودا

و یا جوید طحال از وی غذا را

بود آن منفعت کر خلط اسود

ز مخزن در فم معده بریزد

ز قبضش قوت افزاید فم او

حموضت قطع سازد بلغم او

شود تنبیه جوع و اشتها نیز

بود جلب غذا را حلیت انگیز

در بیان اقسام ثلاثة ارواح فرماید:

سه قسم ارواح حامل شد چو محمول

که بیش و کمتر از این نیست معقول

چو اصل جملگی روح حیات است

دو قسم دیگر از او با ثبات است

بدان خود روح حیوانی است در دل

که او از صفوه دم گشته حاصل

چو آید در کبد روح طبیعی است

کزواعضا چواغصان ربیعی است

چو شد اندر دماغ و یافت تعديل

ز حیوانی به نفسی گشت تبدیل

در معالجه خروج مقعده اطفال فرماید:

خروج مقعد عارض به صبيان

بود از سستی اعصاب ایشان

ز آس و جفت هم مازو و گلنار

سماق و ورد یابس یک به مقدار

ز قرن الایل محرق قشر رمان

بعوشان در طبیخش طفل بنشان

فی بیان اختلاف الاقوال فی الابصار:

سه مذهب گشته مشهور ای برادر

در ابصار و شروط آن مقرر

ریاضيون چنین گفتند که ابصار

چو مخروطی بود نوری پدیدار

المرض دون الثالث و الخامس كان خلا فاً لما اختاره
المعاصرون فقلت في جوابه لو تأملتم الى القواعد المذكورة في
الكتب المأثورة من الاطباء علمتم ان ما اختاره حق و العمل به
راجح. فقال مادليلك في هذا الرجحان؟ فقلت له اكتب لرجحان
اختياري على اختياركم دلائل خطرت بيالي و ارسل عليكم
فتأملت الى ان جن على الليل بذهاب اليوم رمضان كمالتي من
الصوم شرعت مستعيناً بالله في كل الامور بتطهير هذه
السطور. انتهى ملخصاً". (۱)

۱۵. رساله منظمه در طب.

به عنوان مثال ابیاتی در شرح سودا سروده که تعدادی در
شرح سودای طبیعی است (۱):

به سر چون جوش زد سودای جانان

بیان خلط سودا گشت آسان

چو با بخت من و زلف نگارم

شباهت داشت و صفش می نگارم

طبیعی درد بست از خون محمود

که ثقل و عکردم استاد فرمود

عفوست باشدش دیگر حموضت

که طعمش نیست خالی از قبوضت

چو اندر ضمن خون صورت پذیرد

پی دو مصرف آن انجام گیرد

یکی ساری در اعضا گشته با دم

یکی سوی طحال آید دمادم

ضرورت در دو قسم و منفعت هم

مقرر آمد از خلاق عالم

که دم در تغذیه وقت ضرورت

شباهت بایدش فی ای صورت

که خون چون عظم میگردد به ناچار

ز سودا بایدش قسطی مدد کار

متین گردد ز سودا دم به هر حال

که لازم بایدش در بعض احوال

ز سودا منفعتها خون نماید

که اندر شد و تکثیفش فزاید

سیم باشد تکیف از مذاهب
که دانستند از حق این مواهب
سه مذهب را نمودم من بیانی
به اجمال و تو تفصیلش توانی
این حکیم بزرگوار را باید از شخصیتهای نادری شمرد که
آموزه های طب اصیل سنتی را به درستی فهم کرده و تلاش
کرده که ان شجره مبارکه را از پیرایه هایی که در قرون اخیر بر
این مکتب اصیل علمی بسته شده میرا سازد. (۳)

که باشد زاویه زان جسم نوری
به چشم و قاعده جسم حضوری
دویم مذهب ز ابصار انطباع است
کز اصحاب طبیعی اختراع است
که یعنی مبصر اندر حال رویت
مثال آینه است و عکس صورت

REFERENCE:

1. Zonouzi Tabrizi, Abdul Hussein: Matrahe Alanzar fi Tarajema Al amsar Atba' alasar va falasefa al amsar. From the efforts of: Mir Hashem Muhaddith. Center of ethics and medical Laws research of Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Cena's cultural and civil organization . First print, Summer 1388, pp :318-321
2. www.dr-naseri.com.
3. Mohammad Taqi Shirazi, Mirza Hajji Baba: Tashil al elaj va resalate hafez al sehe. Institute of Natural Medicine Rehabilitation. Publications Jalaluddin. First print. Qom, 1387, pp:5-10..